

## عامل سرقت های سریالی از زعفران فروشی های مشهد دستگیر شد

## اختصاصی خراسان

# زعفران دزدی تاجر قلابی با برگ های خشک!

**سید خلیل سجاد پور** – مرد معتادی که از حدود ۱۸ ماه قبل با سرقت های سریالی از زعفران فروشی های مشهد، کسبه هسته مرکزی شهر را عاصی کرده بود، با تلاش نیروهای تجسس کلانتری نجفی به دام افتاد. به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ساعت ۹ صبح سه شنبه گذشته (۲۲ آذر) متصدی یکی از زعفران فروشی های معتبر در هسته مرکزی مشهد با مراجعه به کلانتری نجفی پرده از سرقت های سریالی زعفران در بولوار امام رضا(ع) (خیابان تهران) برداشت. این مغازه دار که با هوشیاری موفق شده بود سر نخ از تاجر قلابی زعفران به دست بیاورد، درباره چگونگی سرقت های مرعوز به افسران دایره تجسس گفت: اول صبح در حالی که مشغول فروش بودم مرد میان سالی که حدود ۶۰ ساله بود وارد فروشگاه شد! او خیلی خونسرد کیسه ای را روی میز گذاشت و تقاضای خرید نیم کیلو زعفران

اعلا با نام تجاری معتبر کرد. من هم

زعفران ها را وزن کردم ولی او که

خود را بازرگان خرمنشهری معرفی می کرد با اصرار از من خواست تا زعفران ها را با وزن های یکسان درون پلاستیک هایی بریزم که داخل کیسه برنج گذاشته بود! من هم که او را مشتری خوبی می دیدم به تقاضایش عمل کردم و زعفران ها را داخل پلاستیک ها ریختم و همه را درون کیسه برنج قرار دادم. در همین حال مرد بازرگان اجناس سوغاتی دیگری مانند نبات، زرشک و ... را درخواست کرد که باید همه آن ها بسته بندی می شد. او سپس با بیان این که کالاهای دیگری نیز درون



آمدم تا شاید بتوانم به اموال مرسوم! ولی تازه فهمیدم که تعداد زیادی از کسبه اطراف حرم مطهر امام رضا (ع) با چنین شگردی طعمه تاجر قلابی شده اندو ...

گزارش روزنامه خراسان حاکی است با توجه به اهمیت موضوع و گزارش سرقت هایی که با این شگرد از ۱۸ ماه قبل در مشهد ادامه داشت، بی درنگ گروه ویژه ای از افسران کارآزموده تجسس با هدایت مستقیم سرهنگ مهدی کسروی (رئیس کلانتری نجفی) در حالی به بررسی دقیق و پیگیری ماجرای سرقت های سریالی زعفران پرداختند که از تجارب ارز شمند سرهنگ احمد نگهبان (فرمانده انتظامی مشهد) نیز بهره می گرفتند. طولی نکشید که «ر سید غذا» زیر ذره بین تحقیقات رفت و نشانی محل سکونت تاجر قلابی با همکاری متصدی فروشگاه زعفران به دست آمد. در کمتر از ۲۴ ساعت نیروهای انتظامی به پاتوقی رسیدند که محل استعمال مواد مخدر بود! آن ها با نشان دادن

تصاویر تاجر قلابی به اهالی محل و به صورت نامحسوس تحقیقات را ادامه دادند تا این که مشخص شد مردی که خود را از اهالی خوزستان معرفی می کند به پاتوق مذکور رفت و آمد دارد. خیلی زود و با دستورات ویژه قضایی، افسران دایره تجسس وارد پاتوق خلافکاران شدند و متهم را در حالی دستگیر کردند که به همراه دو زن دیگر مشغول مصرف مواد مخدر بودند! در بازرسی از مخفیگاه تاجر قلابی، کیف حاوی مقادیری زعفران نیز کشف شد که از

فروشگاه شاکی سرقت کرده بود. با انتقال سه متهم به مقر انتظامی، بازجویی های فنی زیر نظر رئیس کلانتری آغاز و راز سرقت های سریالی زعفران در هسته مرکزی شهر فاش شد. متهم که زن و فرزندانش را در استان خوزستان رها کرده و پنهانی به مشهد آمده بود ضمن اعتراف به سرقت زعفران ها گفت: مدت ها قبل در مشهد زن دیگری گرفتم و برای تامین مخارج اعتیاد و زندگی به سرقت زعفران روی آوردم به طوری که قبلا برگ های خشک و جوهر ک ها را در کیسه های پلاستیکی می ریختم و آن ها را درون کیسه برنج می گذاشتم سپس کیسه های مشابه دیگری هم با خودم

بر می داشتم و به فروشگاه های معتبر می رفتم. بعد چند فهرست طولانی از اسامی به اصطلاح مشتری نام را می نوشتم که سفارش خرید داده بودند! وقتی زعفران ها را می خریدم از فروشنده می خواستم تا آن ها را برای خریداران (مشتریان) به طور جداگانه درون کیسه های پلاستیکی بریزد! سپس با تقاضای کالاهای دیگر حواس فروشنده را پرت می کردم و در یک لحظه جای کیسه برنج حاوی زعفران را با کیسه برنج مشابه حاوی برگ خشک و جوهرک عوض می کردم و بعد هم به بهانه بسته بندی کالاهای خریداری شده دیگر که درون خودرو دارم سوار خودرویی می شدم که صاحب پاتوق مصرف مواد مخدر از قبل در اختیارم گذاشته بود و از آن محل می گریختم! سپس زعفران ها را با بهایی ارزان به

مالخران می فروختم و ...

بنا بر گزارش روزنامه خراسان، این مرد که ۵۷ سال دارد تا کنون به هفت فقره سرقت از زعفران فروشی های خیابان امام رضا (ع)، سه راه دانش، خیابان خسروی و اطراف حرم مطهر امام رضا (ع) اعتراف کرده است، اما بر سر های حادتر و عاشقی ها بودن! با وجود قضایی برای کشف سرقت های احتمالی دیگری در طول ۱۸ ماه گذشته همچنان ادامه دار تا مال باختگان دیگر نیز شناسایی شوند. از سوی دیگر هم با تاکید فرمانده انتظامی مشهد، عملیات شناسایی و دستگیری مالخران و دیگر افراد مرتبط با سرقت های مذکور در حالی وارد مرحله جدیدی شده است که دوزن دستگیر شده در پاتوق خلافکاران نیز به مراکز ترک اعتیاد معرفی شده اند.

عکس: خراسان

## بازی مرگ در سراسیمگی انتقال مواد مخدر

بررسی این خودرو ۱۸۰ کیلو تریاک را از داخل آن کشف کردند و مشخص شد راننده آن به علت شتابزدگی برای حمل این محموله دچار یک حادثه مرگبار شده است. وی خاطرنشان کرد: در ادامه پس از حضور نیروهای امدادی و آتش نشانی در صحنه، این محموله و خودروی آسیب دیده به نزدیک ترین مقر انتظامی و پارکینگ منتقل شد.

محل حادثه شدند. سرهنگ ناصر کوهستانی ادامه داد: ماموران با حضور در ابتدای جاده منتهی به شهرک «رئییسی» با یک دستگاه خودروی پژو ۴۰۵ واژگون شده مواجه شدند که به دلیل سرعت زیاد دچار سانحه شده و راننده آن به دلیل شدت جراحت های وارد شده جان خود را از دست داده بود. این مسئول انتظامی تصریح کرد: ماموران در ادامه روند

**توکلی** - واژگونی خودروی پژو حامل تریاک، راننده را به کام مرگ کشاند. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی رودبار جنوب کرد: نیروهای یگان امداد این شهرستان که به منظور پایش خودروهای عبوری در میدان کشاورز مستقر بودند بنا به اعلام خودروهای عبوری از واژگونی یک دستگاه خودروی پژو در جاده مطلع و به سرعت راهی

### ۶ کشته در تصادف پراید و پژو در جاده کهرستان

به دنبال وقوع تصادف یک دستگاه خودروی پژو با یک دستگاه خودروی پراید، در جاده کهرستان - لار متأسفانه شش نفر جان باختند. در وضعیت نامناسب جاده کهرستان - لار و در ظهر روز گذشته، یک دستگاه خودروی پراید با هفت سرنشین از جمله دو کودک و یک دستگاه خودروی پژو با دو سرنشین با هم به صورت شاخ به شاخ برخورد کردند که متأسفانه در این تصادف شش نفر جان باختند. چهار فوتی پراید از اهالی روستای گچین بندرعباس و دو فوتی دیگر پژو نیز از منطقه رویدر هرمزگان بودند. سه نفر زخمی در پراید از جمله یک کودک نیز اکنون در بیمارستان بستری هستند. جاده کهرستان - لار با عرض کم و ترده بالا ،دو طرفه است و هر ماه چندین کشته و زخمی بر جای می گذارد و عملاً مسئولان درباره آن بی اعتنا هستند.

#### فروش فوری

#### منزل ویلایی دو طبقه

نقلی (جمع و جور ) مناسب برای دو خانوار

واقع در بلوار امت

۱۱۰ متر بنا در دو طبقه - سند شش دانگ

۰۹۰۳۶۵۶۱۷۳۵ باغبان ۱۳۴۷/۱۲/۲۰

<b>آگهی پدیره نویسی سهام شرکت بیمارستان مادر (سهامی خاص) بشماره ثبت ۲۴۶۵ و شناسه ملی ۱۷۸۱۴۷۱۰۳۸۱</b>
نظر به اینکه طبق صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخه ۱۴۰۱/۹/۱۷ افزایش سرمایه شرکت از مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال و افزایش تعداد سهام ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ سهم ۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریالی به ۱۲/۰۰۰ سهم ۱/۵۰۰۰۰۰۰ ریالی از طریق مطالبات حال شده سهامداران مورد تصویب قرار گرفته است لذا به سهامداران مهلت داده می شود ظرف مدت ۶۰روز از تاریخ انتشار این آگهی محل اصلی شرکت واقع در به آدرس بلوار سجاده بهارستان ۲ بیمارستان مادر و کدپستی ۹۱۸۷۸۳۳۶۷۸ مراجعه و به نسبت مطالبات خود سهام جدید را پدیره نویسی نمایند عدم مراجعه در مهلت مقرر بمنزله انصراف از پدیره نویسی بوده و حق تقدم در پدیره نویسی به سهامداران و با کسایتی که در پدیره نویسی شرکت کرده اند واگذار خواهد گردید برای سهام جدید امتیاز خاصی در نظر گرفته نشده است مبلغ اسمی هر سهم ۱۲/۵۰۰/۰۰۰ می‌باشد.
<b>هیت مدبره</b>

۱۳۰۲-۱۹۸۹۹۲

درخواست مرد بستنی فروش از بلاگر معروف برای عکس یادگاری رنگ خون گرفت

## جنایت بلاگر مست

درخواست مرد بستنی فروش برای عکس گرفتن با بلاگر معروف، به قیمت جانش تمام شد و مرد بلاگر پس از قتل متواری شد. به گزارش جام جم آنلاین، نیمه شب دوشنبه ۲۱ آذر امسال، قتل مردی به بازپرس کشیک قتل تهران گزارش شد و با دستور او، گروهی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران به مغازه بستنی فروشی در حوالی محله قلهک اعزام شدند. در تحقیقات محلی مشخص شد یکی از سه سرنشین خودروی پژو ۲۰۶ که به مغازه رم جوان آمد بودند با وی در گیر شده و بعد از مجروح کردن و قتل این مرد از محل گریخته‌اند. در پی تحقیقات، دیروز یکی از دوستان مقتول اطلاعات جدیدی در اختیار ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار داد و گفت: دو ستم صالح، مغازه بستنی فروشی داشت و گاهی برای تبلیغ مغازه اش سراغ بلاگر ها می‌رفت. آن شب هم با یکی از این بلاگر ه تماس گرفت که او با دوستانش

به محل کار صالح آمدند تا تبلیغات مغازه بستنی فروشی اش را انجام دهند. دوستم بعد از تبلیغ، دستمزد آن ها را داد، اما به نظر می‌رسید که بلاگر و دوستانش حالت طبیعی نداشتند و مست بودند.

مردی به بازپرس کشیک قتل تهران بگيرند تا در صفحه شخصی اش بگذارد، اما آن مرد عصبانی شد و گفت با کسی عکس یادگاری نمی‌گیرم. بعد هم با صاحب مغازه در گیر شد و دوضربه چاقو به او زد که باعث مرگ صالح شد. مرد بلاگر و دوستانش وقتی دیدند دوستم غرق در خون کف مغازه افتاده است، فرار کردند. با توجه به گفته‌های او، ماموران به باز بینی فیلم دوربین های مدار بسته اطراف محل در گیری خونین پرداختند و دریافتند گفته‌های این مرد صحت دارد. متهم و همدستان فراری اش با دستور بازپرس زارعی تحت تعقیب پلیس جنایی قرار گرفتند. پرونده این قتل در شعبه اول بازپرسی دادسرای جنایی تهران در دست بررسی است.

### آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای

- مناقصه گزار: قرارگاه خاتم الانبیا(ص) - هلدینگ تخصصی راه و شهرسازی- واحد اجرایی راه سازه
- موضوع مناقصه: اجرای عملیات حفاری و تحکیم تونل اصلی و اضطراری کیلومتر ۷۶ پروژه طرح وساخت راه آهن دورود - خرم آباد
- مهلت دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۴۰۱/۹/۲۴ لغایت ۱۴۰۱/۹/۲۷
- مهلت تسلیم پیشنهادات: از تاریخ ۱۴۰۱/۹/۲۸ لغایت ۱۴۰۱/۱۰/۰۷
- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۱۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ( شانزده میلیارد ریال ) می‌باشد که می‌بایست به صورت ضمانتنامه بانکی و یا رسید پرداخت نقدی و یا چک تضمینی بانکی با اعتبار حداقل ۳ ماه تهیه و ارائه شود.
- آدرس جهت دریافت و تحویل اسناد:
- قم، میدان آزادگان، بلوار شهید عابدی، بمعاز دادگستری کل، پلاک ۱۰۲، طبقه ۳، واحد امور قرارداده
- ستاد تلفن ۰۲۶۷-۳۶۷-۲۵، داخلی ۳۴۰
- لرستان، کیلومتر ۲۰ جاده خرم آباد، پیرانشهر، کارگاه راه آهن دورود خرم آباد، واحد قرار دادها ۰۹۱۶۸۶۳۸۴۱۶
- تاریخ بازگشایی: روز شنبه ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ در محل سالن کنفرانس شرکت مناقصه گزار
- سایر شرایط: به پیشنهادهای فاقد امضا، مخدوش و پیشنهاداتی که پس از انقضا مدت مقرر در فراخوان ارسال شود، مطلقاً ترتیب اثر نخواهد شد.
- لازم به ذکر است کارفرما در انتخاب پیمانکار مختار بوده و هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه است.

در امتداد تاریکی

## زن پیدامی شود اما...!

باورم نمی‌شد، به راحتی نمی‌توانستم این حرف‌ها را بپذیرم؛ چرا که روزی من حتی برای اثبات عشق و علاقه به همسرم، همه مهریه‌ام را بخشیدم و بعد از آن بود که دریافتیم همه این رفتارهای عاشقانه حيله‌ای برای جدایی از من بود...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن ۳۳ ساله که مدعی بود همسرش او را از خانه بیرون انداخته و چون کسی را در مشهد ندارد عازم شمال کشور است تا نزد پدر و مادرش بازگردد، درباره سرگذشت خودبه مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری قاسم آبادمشهد گفت: وقتی در رشته رایانه (ترم اول) وارد دانشگاه شدم در پوست خودم نمی‌گنجیدم. بالاخره در رشته ای که سال‌ها آرزویش را داشتم پذیرفته شده بودم و بین فامیل زبان زد شدم. آن روز بار و بندیدلم را بستم و به مشهد آمدم. از همان ترم اول که تحصیل در دانشگاه را آغاز کردم جذب نگاه‌های بهروز شدم. او به هر بهانه ای سر صحبت را با من باز می‌کرد و جزوه‌های درسی را در اختیارم می‌گذاشت؛ چرا که بهروز در هنرستان تحصیل کرده بود و دانشجویی کاملی با رایانه داشت به همین دلیل هم شاگرد اول کلاس شد. هنوز سال تحصیلی به پایان نرسیده بود که او به عنوان مهندس یک شرکت خصوصی راه‌اندازی کرد و به درآمزیایی رسید. در این میان من هم آرام‌آرام به او علاقه‌مند می‌شدم که روزی «بهروز» عشقش را به من ابراز کرد و این گونه ما جرای عشق و عاشقی من و او در کلاس درس سرزبان هم‌کلامی هالیمان افتاد. بالاخره این ارتباط عاشقانه به خواستگاری و در نهایت از دواج انجامید، اما خانواده بهروز که از نظر اقتصادی در سطح بالایی بودند، از همان روزهای اول خواستگاری به شدت با این ازدواج مخالفت می‌کردند؛ چرا که من و خانواده‌ام را در شأن خودشان نمی‌دانستند و از سوی دیگر هم مخالف این نوع عشق و عاشقی‌ها بودند! با وجود همه این مخالفت‌ها من و بهروز یکدیگر را دوست داشتیم و به همین دلیل هم زندگی مشترک خودمان را در حالی آغاز کردیم که آن‌ها مدعی بودند شما به دردم نمی‌خورید! اما من فکر می‌کردم فقط عشق و علاقه برای ادامه یک زندگی مشترک کافی است و هیچ‌گاه به ذهنم خطور نمی‌کرد که بسیاری از این عاشقی‌ها به پریاه‌خسوس هوس‌بنامی شود و بعد از مدتی همه این ابراز علاقه‌ها و مردن برای یکدیگر به قصه‌ای تلخ بدل خواهد شد. خلاصه زندگی من و بهروز به گونه‌ای ادامه یافت که او ادعا کرد باید به خانواده‌ام ثابت کنم که تو را چقدر دوست دارم و تو هم به خاطر ثروت با من ازدواج نکرده‌ای! او چند روز بعد زن من آمد و گفت: «بیا مهریه‌ات را ببخش! تا خانواده‌ام بدانند که تو به دنبال مادیات زندگی نیستی و عشق و علاقه برایت اهمیت دارد! من هم بدون تامل قبول کردم و همه ۱۰۰ سکه طلا را به او بخشیدم تا عاشقانه اثبات کنم! ولی هنوز یک سال بیشتر از این ماجرا سپری نشده بود که روزی بهروز با چهره‌ای غمگین به رفته به‌خانه آمد و از من سوال کرد: مرا دوست داری؟ گفتم، این چه حرفیه! تو همه زندگی من هستی! خیلی راحت گفت: اگر به من علاقه مند هستی باید از زندگی من بیرون بروی! چرا که خانواده‌ام شرط کرده اند اگر تو را طلاق بدهم، خانه و خودرو را به من باز می‌گردانند. بالاخره زن پیدامی شود اما مادر این شرط اقتصادی نمی‌شود خانه و خودرو خرید! با این حرف‌ها از تعجب و حیرت چشمانم گرد شده بود، باورم نمی‌شد کسی که برای اثبات عشقم به او، حتی مهریه‌ام را بخشیدم اکنون من را به یک خانمو خودرو می‌فروشد! آیا این همان بهروز بود که روزی در دانشگاه چشم از من برنمی‌داشت! تازه فهمیدم دیگران را راست گفته‌اند! این عشق و عاشقی‌ها فرجام تلخی دارد. به همین دلیل به مرکز مشاور رفتم، ولی آن‌ها هم مرا ترغیب به جدایی کردند. این گونه بود که از بهروز به صورت توافقی طلاق گرفتم و برای آن که آرامش خودم را بازیابم، واحد آپارتمانی اجاره کردم. چند ماه بعد نگهبان مجتمع مسکونی به من پیشنهاد ازدواج داد. به درخواست من، خانواده‌اش به طور سنتی به خواستگاری‌ام آمدند و به این ترتیب من با «فرید» در حالی ازدواج کردم که او مدعی بود بعد از جدایی از همسرش، تنها فرزند او نزد پدر بزرگش زندگی می‌کند و دخالتی در زندگی مشترک ما نخواهد داشت اگر چه می‌دانستم «فرید» سیگاری است و آهی در بساط ندارد، اما به دلیل شکست در زندگی با «بهروز» به چیزی جز ازدواج اهمیت ندادم، اما خیلی زود در قمر برگشت و آن روی سکه نمایان شد. «فرید» نه تنها مردی مشروب‌خوار و خشن بود بلکه پسر ۱۸ ساله اش نیز چند روز بعد از ازدواج به خانه‌ام آمد و سر ناسازگاری با مرا گذاشت. حالا باید از سوی دو نفر تحقیر و سرنش می‌شدم و کتک می‌خوردم. در این شرایط بود که فهمیدم همسرم دچار مشکلات اخلاقی است و همسر سابق او هم به همین دلیل جدا شده بود! خلاصه رفتارهای خشن «فرید» به جایی رسید که بعد از چهار ماه مرا از خانه بیرون انداخت! اکنون به کلانتری آمده‌ام تا به صورت قانونی ماجرای ترک منزل را به پلیس اطلاع بدهم و خودم نیز به شمال کشور می‌روم تا نزد خانواده‌ام زندگی کنم اما ای کاش...

گزارش خراسان حاکی است با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ احمد زمانی (رئیس کلانتری قاسم آباد) بررسی‌های کارشناسی و روان‌شناختی درباره ادعاهای این زن جوان توسط مشاوران زنده کلانتری آغاز شده است.

**ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**

۱۳۰۲-۱۹۹۶۲۱